

مناقشات مرزی ایران و عراق در دوران پهلوی اول و تأثیر آن بر زندگی مردم

خوزستان

آذر جلیلیان*

چکیده

از دیرباز مسئله تعیین حدود مرزهای مشترک ایران و عثمانی و بعدها دولت عراق مورد مناقشه میان دو کشور بوده است. این موضوع در ادوار مختلف تاریخ و طی قراردادهای متعدد و اغلب با دخالت و حضور کشورهای واسطه همچون انگلیس و روسیه مورد بررسی قرار گرفت. ولی هیچ گاه مرزهای مشترک دو کشور به شکلی واضح و قطعی تعیین نگردید و مسئله تعیین مرز همچنان به صورت عاملی تنش زا در روابط بین ایران و عراق باقی ماند و به دهه های اخیر کشیده شد. بر این اساس در این پژوهش سعی شده با روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه ی اسناد و مطالعات کتابخانه ای وابستگی های عمیق دینی، فرهنگی و قومی مردم خوزستان با مردم جنوب عراق بررسی شود سپس با پرداختن به مناسبات سیاسی دولت های ایران و عراق و اوضاع مرزهای دو کشور در اوایل قرن بیستم میلادی، تأثیر این مناقشات مرزی در زندگی مردم خوزستان در این دوران تبیین و بررسی شود و به این پرسش تحقیق پاسخ داده شود که مناقشات مرزی ایران و عراق چه تأثیری بر زندگی مردم خوزستان داشت؟ در این رابطه نگارنده بر این مدعاست، مناقشات مرزی ایران و عراق در دوران پهلوی اول و سیاست های اعمال شده در این دوران، برای مردم خوزستان اثرات منفی بر جای گذاشت. چرا که از گذشته های دور میان مردم در دو طرف مرز، ارتباطات دینی، فرهنگی و قومی و نیز داد و ستد مالی و تجاری برقرار بوده است و مسئله مناقشات مرزی، مشکلات و موانعی در وضعیت زندگی و کسب و کار مردم ایجاد کرد.

واژگان کلیدی: مناقشات مرزی، پهلوی اول، دولت عراق، خوزستان، اروندرود، قرارداد ۱۳۱۶ شمسی.

* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور استان خوزستان Jalilian1357@gmail.com

سرزمین خوزستان در جنوب غربی ایران، از دیرباز یکی از خاستگاه های تمدنی در فلات ایران بوده و از این رهگذر از سابقه ی تاریخی کهنی برخوردار است. این سرزمین در دوره های مختلف تاریخی مورد توجه حکومت های حاکم بر ایران و نیز فرمانروایان بیگانه بوده است. بر این اساس تقابل و کشمکش و مرزبندی های بسیاری در دوره های مختلف تاریخی بر سر موجودیت و استقرار حاکمیت بر سرزمین خوزستان در این منطقه به وقوع پیوسته است. اوج این کشمکش و درگیری و مناقشات مرزی به دوران معاصر کشیده شد و کشف و استخراج نفت در خوزستان، موجب اهمیت دو چندان این منطقه گردید. در پژوهش حاضر سعی شده با روش بررسی کتابخانه ای، به بیان تأثیر اختلافات و مناقشات مرزی در زندگی مردم خوزستان پرداخته شود. اما در آغاز برای روشن شدن موضوع، لازم است ابتدا تعریف اجمالی از پدیده ی مرز از منظر علم جغرافیا و علوم سیاسی بیان شود.

تعریف مرز

مرز به خط فاصل میان دو کشور گفته می شود. بر این اساس آخرین حد قلمرو زمینی، دریایی، هوایی و تحت الارضی (زیر زمینی) هر کشور را مرز آن کشور می گویند. مرز مهمترین عامل تشخیص و جدایی یک کشور از کشور همسایه است. خط مرزی، خطی اعتباری و قراردادی است که به منظور تحدید حدود یک کشور روی زمین و اسناد مرزی مشخص می شود. به بخشی از آبادی ها و زمین های کشور که در مجاورت مرزها قراردارند، اراضی مرزی گفته می شود. عمق نوار مرزی فاصله ای است از خط مرزی با عرض معینی به داخل دو کشور که به وسیله ی توافقات و قراردادهای دوجانبه تعیین می شود. (مرز و سرحد، ۲۰۱۱)

«مرز، عموماً حاصل ستیزهای تاریخی است که به تفاهم منجر می گردد.» (حضرتی، ۱۳۹۰: ۷۷) هانتینگتن جغرافیدان مشهور امریکایی معتقد است، در بین عوامل طبیعی مؤثر بر زندگی انسان به جز شرایط آب و هوا، وضعیت جغرافیایی سرزمینها در ایجاد ارتباط با سرزمینهای دیگر تأثیرگذار بوده اند. به عنوان نمونه برخی از عوامل طبیعی مانند، رودهای قابل کشتیرانی، گذرگاههای کوهستانی، جلگه ها و دشتهای باز و رشته کوههای کم ارتفاع، همواره باعث

تسهیل ارتباطات بین جوامع و گاه وقوع رویدادهای مهم تاریخی نظیر مهاجرتها و جنگها و یا ظهور تمدنها شده اند. (جغرافیا در بستر تحولات تاریخی، ۲۰۱۲: اینترنتی)

موقعیت مرزهای مشترک ایران و عراق

کشور ایران با کشور عراق، به موجب آخرین تحدید حدود ایران و عثمانی در سال ۱۲۹۳ ش. / ۱۹۱۴ م. حدود ۱۶۰۹ کیلومتر مرز دارد که از این مقدار حدود ۴۲۰ کیلومتر آن مرز خشکی در منطقه ی خوزستان از اروند رود تا موسیان چنین است: بین اروند رود و جفیر حدود ۱۲۰ کیلومتر، بین جفیر تا بستان حدود ۱۵۰ کیلومتر، بین سولا و موسیان حدود ۱۵۰ کیلومتر. علاوه بر این ایران و عراق حدود ۱۵۷ کیلومتر مرز آبی به شرح ذیل دارند که در اروند رود ۸۴ کیلومتر، در نهر خین ۹ کیلومتر، در هورالعظیم ۶۴ کیلومتر. (افشار سیستانی، ۱۳۷۳: ۴۴۹) در خصوص رودخانه اروند باید افزود؛ اروند آبراهی است در جنوب غربی ایران که مرز مشترک ایران و عراق را تشکیل داده و عمق آن بین ۶ تا ۹ متر در نقاط مختلف، متغیر است. بر این اساس اروندرود رودخانه پهناوری است که از ریزش رودهای دجله، فرات و سپس کارون پدید آمده است. طول اروندرود از قرنه تا ریزشگاه آن درخلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر است. ریزشگاه اروندرود در محل شهر ایرانی اروندکنار و شهر عراقی فاو است. اروندرود در شاهنامه چند بار بکار رفته. در مهریشت اوستا در مبحث مهر یا میترا اشاره ای نیز به اروندرود شده است که در آن دوره «ارونگ» یا «ارنگ» گفته می شده است. اروند واژه ای در پارسی میانه است به معنی بزرگ و باشکوه و در دوره باستان به همه طول رود خانه دجله وارندرود امروزی گفته می شد. (کریمی، ۱۳۸۸: ۹).

اروند رود همواره به ایران تعلق داشته که در پایان حکومت عثمانی و تشکیل دولت تازه تأسیس عراق با دخالت انگلیس، به دولت عراق واگذار شد. اما واژه شط العرب نام عربی اروند رود است. ظاهراً واژه شط العرب از ادبیات عرب، نخستین بار در قرن یازدهم هجری وارد ادبیات عثمانی شده و مقصود از آن رود دجله بود. این لفظ سپس به منابع ایرانی راه یافت و تداول پیدا کرد. این واژه در برخی کتب تاریخ از جمله عالم آرای عباسی و جهانگشای نادری نوشته میرزا مهدی خان منشی استرآبادی و دیگر منابع آمده است. (منصوری، ۱۳۷۶: ۱۷-۱۵)

مناسبات اجتماعی، اقتصادی، دینی و فرهنگی مردم خوزستان با آن سوی مرز

در اواخر قرن ۱۶ میلادی قبیله کعب از عراق به جنوب غرب خوزستان مهاجرت کردند. در طی قرون بعدی قبایل عرب بیشتری از جنوب عراق به نوار مرزی جنوب غربی خوزستان مهاجرت کرده‌اند. به تدریج تا زمان پهلوی اول، سرزمینهای اطراف رود کرخه در جنوب غرب خوزستان، محل مهاجرت و سکناى عشایر عرب شد. این ناحیه شاید به دلیل طغیان سالانه رود کرخه، تقریباً خالی از آبادی بود و عملاً تنها ساکنانش به جز بومیان عجم هویزه، عشایر عرب بودند. از این ایام است که به منظور تفکیک قلمروهای حکومتی، بخش عرب نشین را عربستان نامیدند و بخش دیگر به همان نام خوزستان باقی ماند. (افشار سیستانی، ۱۳۷۳: صص ۳۵-۴۶)

بر این اساس مردمان نواحی مرزی همواره با کمترین توجه به الزامات سیاسی و عدم رعایت خطوط مرزی بر تداوم مناسبات خود با ساکنان آن سوی مرز که غالباً با یکدیگر دارای ریشه‌های مشترک دینی، فرهنگی و قومی بودند، اهتمام می‌ورزیدند. این موضوع در طول تاریخ ایران هرازگاهی مشکلات و تبعات منفی نیز در روابط سیاسی و خارجی دولت‌ها فراهم می‌ساخت که منجر به بروز درگیری و مناقشات مرزی می‌گردید. مردم ساکن در منطقه‌ی خوزستان و به ویژه نواحی مرزی در غرب این استان که اغلب عرب زبان می‌باشند نیز از گذشته‌های دور به جهت داشتن علقه‌های مشترک دینی، فرهنگی و قومی با ساکنان آن سوی مرز به ویژه نواحی جنوب عراق، روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داشتند. در این میان با توجه به برقراری مذهب تشیع در ایران و وجود اماکن مقدس و عتبات عالیات در عراق بر میزان علاقه و ارتباط ایرانیان خاصه مردم خوزستان با مردم عراق افزوده شد. (جلیلیان، ۱۳۸۲: ۴۳) بر این اساس مردم خوزستان همواره با علمای حوزه علمیه نجف اشرف و کربلاى معلی که اغلب ایرانی تبار می‌باشند، در ارتباط تنگاتنگ بودند. به گونه‌ای که در هر دوره‌ای آیات عظام ساکن در عراق، نمایندگانی جهت انجام امور دینی مقلدین خود در خوزستان تعیین می‌کردند که از این میان در دوره‌های اخیر می‌توان به آیات عظام مرحوم آیت الله خویی و مرحوم آیت الله سید محسن حکیم و همچنین آیت الله سیستانی از مراجع نجف اشرف اشاره کرد.

به دنبال جنگ جهانی اول، اشغال عراق توسط انگلیس و تأسیس حکومت سلطنتی در این کشور، ورود زائران ایرانی به عراق به تدریج با محدودیت‌هایی از طرف دولت‌های حاکم بر ایران و عراق مواجه گردید. (دادفر، ۱۳۸۹: ۴۵)

بنا به استناد برخی نامه های مربوط به کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی، برخی افراد عموماً توانگر و یا وابسته به خانواده های علما، به قصد تقرب به ائمه معصومین (ع)، اقدام به دفن اموات خود در جوار عتبات عالیات می کردند که گاهی این امر با کارشکنی هایی از سوی مأموران مرزی دو کشور مواجه می شد و مردم را با مشکلات و معضلاتی روبرو می ساخت که نامه ها و شکایاتی در این خصوص به کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی ارسال و ارجاع می شد. (کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی، ۱۳۱۰ ش)

این قبیل نامه ها و اسناد صرف نظر از بیان عملکرد سیستم اداری آن زمان، خود گویای سطح روابط اجتماعی و اعتقادات عمیق دینی ملت شیعه مذهب ایران و به ویژه مردم خوزستان در ارادت به ائمه معصومین (ع) که بارگاه ایشان در شهرهای عراق واقع است، می باشد. بر این اساس می بایست اضافه کرد که از گذشته های دور، فارغ از مناسبات سیاسی و تحدید حدود مرزهای دو کشور ایران و عراق، برقراری روابط خانوادگی و ازدواج نیز در سطح وسیع میان خانواده های ایرانی ساکن خوزستان با مردم جنوب عراق صورت می گرفت. (فرهنگ مردم درخوزستان، ۱۳۷۷: ۲)

به نقل از یکی از ساکنین قدیمی خرمشهر که بخشی از اوضاع اجتماعی مردم خوزستان در دوران حکومت پهلوی اول را به خاطر دارد؛ بخش عمده ی ازدواج های ساکنین خوزستان با مردم جنوب عراق به این صورت بود که اغلب دختران ایرانی به عقد و ازدواج مردان عراقی در می آمدند. این موضوع به چند دلیل بود: یکی اینکه مسئله کشف حجاب زنان مسلمان و محجبه را وادار می ساخت به منظور مصونیت از پیامدهای کشف حجاب به عراق مهاجرت کنند و با مردان عراقی ازدواج کنند و دیگر اینکه موقعیت مطلوب اقتصادی مردم عراق در این زمان بود که از شرایط اجتماعی و اقتصادی مساعد و برتری نسبت به زندگی در خوزستان برخوردار بودند. البته در پاره ای موارد مردان خوزستانی نیز اغلب به دلیل فرار از خدمت نظام وظیفه اجباری در ارتش، به کشور عراق پناهنده می شدند و در آن کشور با دختران عراقی ازدواج می کردند و تشکیل خانواده می دادند. (لوایی، ۱۳۹۰)

زبان مردم عرب خوزستان، عربی است و از نزدیک ترین لجه ها به قرآن کریم است. فصیح ترین و شیواترین بیان این زبان در استان خوزستان، گویش مردم خرمشهر است. این گویش علاوه بر اینکه کلمات ثقیل کمتری دارد، از نظر تلفظ و لهجه به زبان فصیح عربی نزدیک تر

است. قرابت گویش مردم عرب ایران با زبان فصیح عربی به آنها این امکان را داده است که تقریباً همه ی گویش های زبان عربی را بفهمند و اعراب سایر کشور ها نیز متقابلاً زبان اعراب ایران را به خوبی درک کنند. (قیم، ۱۳۸۰: ۴۰)

اما در گذر زمان همانگونه که زبان فارسی از زبان و ادبیات عرب تأثیر پذیرفته، عکس آن نیز رخ داده است. به عنوان مثال حرف «چ» است که از حروف الفبای عربی نیست اما وارد لهجه ی زبان عرب خوزستان و از طریق اعراب خوزستان به عربی عراق نیز وارد شده است. (پایگاه اینترنتی میراث فرهنگی، ۱۳۹۰) همچنین بسیاری از کلمات فارسی در زبان اعراب جنوب عراق، شهرهای بصره، کوت، نجف و کربلا به واسطه ی مردم خوزستان رایج شده است. کلماتی مانند: قیمه، هندوانه، بچه، تومان، برنج، یخ، شلوار و... (لوایی، ۱۳۹۰) موسیقی نیز به عنوان یکی دیگر از شاخص های فرهنگی قومیت، که در هر منطقه و قومیت استان خوزستان، صورت ویژه ای دارد. در مناطق عرب زبان و مرزی خوزستان، موسیقی بیشتر متأثر از مقام های عربی و شباهت خاصی به موسیقی مقامی جنوب عراق دارد. (پایگاه اینترنتی میراث فرهنگی، ۱۳۹۰)

تا پیش از گسترش مناسبات سرمایه داری در زمان پهلوی اول، بخش عمده ی جمعیت ساکن در خوزستان که عمدتاً از اقوام لر و عرب بودند به شکل قبیله ای می زیستند. اقتصاد این منطقه نیز بر شیوه های دامپروری، کشاورزی و بخشی نیز بر پایه بازرگانی در بندر خرمشهر، ماهشهر و اهواز قرار داشت و تبادلات تجاری با کشور عراق و بندر بصره صورت می گرفت.

تحول اقتصادی در خوزستان

در آغاز قرن بیستم میلادی همزمان با اواخر دوره ی سلطنت قاجاریه، بندر خرمشهر که سکونتگاه گرمسیری یکی از اقوام عرب ایرانی به نام بنی کعب بود، رونق گرفت. تا پیش از رونق بندر خرمشهر، مرکز مهم داد و ستد در خلیج فارس، بندر بصره بود که به دولت عثمانی تعلق داشت. (امام شوشتری، بی تا: ۲۵۳) با رونق خرمشهر، این بندر به رقیب تجاری و اقتصادی بندر بصره تبدیل گردید و علاوه بر این وجود و کشف ذخایر نفت موجب توجه ویژه و مضاعف به خرمشهر گردید. از این زمان به بعد با فروپاشی امپراتوری عثمانی و تأسیس دولت عراق، مسئله حاکمیت بر اروندرود به عنوان شاهراه حیاتی بندر خرمشهر در دستور کار دولت انگلستان قرار گرفت. (نیازی، ۱۳۹۱)

با دخالت دولت انگلیس که از رهگذر قرارداد نفت داری که در سال ۱۲۸۷ ش. / ۱۹۰۸ م. در خوزستان موفق به کشف و استخراج نفت شده بود و از آن بهره می برد، به عامل تنش زا تبدیل گردید. بدین ترتیب فصل جدیدی از مناقشات مرزی میان ایران و عراق به عنوان وارث امپراتوری عثمانی از سر گرفته شد. جایگاه و موقعیت اقتصادی برتر خرمشهر نسبت به بصره، به ویژه از زمان احداث و راه اندازی خط آهن سراسری در زمان پهلوی اول بارز شد. احداث این خط آهن، خلیج فارس را به دریای خزر در شمال ایران متصل نمود. (اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۷۲: ج ۴، ۶)

در سال ۱۳۰۶ ش. / ۱۹۲۷ م. چون قرار شد که خط آهن از یکی از بندرهای خلیج فارس شروع گردد و سرتاسر ایران را پیموده به بحر خزر پایان یابد، بندر خور موسی (بندر امام خمینی) در کنار خلیج فارس برگزیده شد و نخستین کلنگ این کار شگرف در پاییز این سال به زمین خورد.... ساخت راه آهن به وسیله ی شرکت مختلط آلمانی و آمریکایی و دخالت جزئی فرانسوی و انگلیسی آغاز گردید. در سال ۱۳۰۸ ش. / ۱۹۲۹ م. راه آهن خوزستان از بندر شاپور (بندر امام خمینی) تا دزفول افتتاح شد. (امام، ۱۳۷۹: ۵۱۹)

اوضاع سیاسی خوزستان در آستانه ی سلطنت پهلوی اول

در جریان کودتای نظامی سوم اسفند ۱۲۹۹ ش. / ۱۹۲۰ م. رضاخان به عنوان چهره ی نظامی کودتا، وارد عرصه ی سیاسی ایران گردید. در مورد چگونگی شکل گیری کودتا و نقش انگلیس تنها به بیان سخن ژنرال آبرونساید طراح کودتا، اکتفا می شود که خود گویای تأثیر دولت انگلستان در تغییرات سیاسی اوایل قرن بیستم است که منجر به روی کار آمدن رضاخان و برقراری سلطنت خاندان پهلوی در ایران می باشد.

»

«تصور می کنم که همه ی مردم چنین می اندیشند که من کودتا را طراحی و رهبری کرده ام، من گمان می کنم که اگر در معنای سخن دقیق شویم واقعا من این کار را انجام داده ام». (رایت، ۱۳۸۳: ۲۱۲). رضاخان به منظور تحکیم پایه های قدرت و تشکیل حکومتی متمرکز اقداماتی جهت سرکوب حرکت های تجزیه طلبانه انجام داد. در این رابطه می توان به سرکوب شیخ خزعل در خوزستان اشاره کرد.

شیخ خزعل، «محصول نخلستان های خود را به قیمت خوب به انگلیس ها می فروخت و اسلحه و لوازم از آنها می گرفت و کم کم به واسطه ی همین نفوذ معنوی، رشته ی تجارت خوزستان را هم در دست گرفته از این راه نیز فواید بی شماری می برد. املاک خود را آبادتر می کرد و در بصره روبروی محمره (خرمشهر) هم نخلستان های زیادی به هم زده و ثروتش روز افزون زیاد می شد.» (مستوفی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۲۳۹۳)

ظاهرا تا روزگار حاکمیت شیخ خزعل بر خوزستان و خرمشهر و تا پیش از تحولات و مرزبندی های زمان رضاشاه، مردم خوزستان به ویژه اعیان و اشراف خرمشهر به راحتی در آن سوی مرز و در بندر بصره سرمایه گذاری می کردند و دارای املاک و اراضی بودند و از این راه سود خوبی به دست می آوردند.

اما شیخ خزعل عملا رابطه ی خود را با دولت مرکزی قطع کرده و با انگلیسی ها قرارداد بسته، سالها بود که مالیات به دولت پرداخت نمی کرد و کشتی جنگی و توپخانه تهیه نموده و به پشتیبانی آنها (دولت انگلیس) خود سرانه فرمان می راند و خود را امیر عربستان می خواند. (کسروی، ۱۳۷۳: ۲۲۷) در این رابطه ملک الشعراء بهار نیز می نویسد: شیخ خزعل به امید جدایی خوزستان از ایران و تشکیل حکومتی مستقل به نام عربستان در اواسط سال ۱۳۰۳ ش. / ۱۹۲۴ م. کمیته ای به نام قیام سعادت خوزستان به عضویت خود و جمعی از ایرانیان دایر کرد و سلسله جنبان این کمیته شد. (بهار، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۵۰)

اما در سال ۱۳۰۳ ش. / ۱۹۲۴ م. حکومت مرکزی موفق شد با سرکوب شیخ خزعل و انحلال کمیته ی سعادت پس از چندین سال غفلت از امور خوزستان، به آن ناحیه توجه کند. از این زمان به بعد نام عربستان به کلی از فرمانها و مکاتبات دولتی لغو گردید و به خوزستان تغییر نام یافت. در همین سال به دستور رضاشاه، شهر ناصری به عنوان مرکز خوزستان اعلام شد. در شهریور ۱۳۱۴ ش. / ۱۹۳۵ م. به موجب تصویب هیأت وزیران، نام ناصری به اهواز (نام باستانی شهر) تغییر یافت و به عنوان مرکز استان ششم کشور اعلام گردید. در همین رابطه نام بندر محمره به خرمشهر، بندر معشور به ماهشهر و عبادان به آبادان تغییر یافت. (امام شوشتری، بی تا: ۲۶۵) «در دهه ی ۱۳۱۰ ش. / ۱۹۳۱ م. دولت کنترل بازرگانی خارجی را در دست گرفت. بخشی از آن را مستقیما اداره می کرد و برای بقیه نیز به وضع مقررات پرداخت.» (فوران،

۱۳۷۸: ۳۶۴) ظاهراً از این زمان بازرگانی خارجی در خوزستان نیز تابع قوانین و مقررات جدید گمرکی قرار گرفته است.

سیر منازعات مرزی ایران و عراق در خوزستان پیش از انعقاد قرارداد ۱۳۱۶ شمسی

خوزستان به دلیل وجود رودخانه‌ی اروند که یکی از عریض‌ترین رودخانه‌های قابل کشتیرانی به شمار می‌رود و هرچه به سمت جنوب پیش می‌رود، عمق و عرض آن بیشتر می‌شود، از موقعیت استراتژیک و تجاری ویژه‌ای برخوردار است. به گونه‌ای که از سده‌های پیشین این رودخانه مورد منازعه دولت‌های ایران و عثمانی قرار داشت. خرمشهر واقع در تلاقی کارون و اروند رود، و در رأس خلیج فارس، بندر بزرگ قابل کشتیرانی و تجارت خارجی ایالت بود. همچنین مرکز بزرگ توزیع کالا در جنوب خوزستان به شمار می‌رفت. مهم‌ترین صادرات آن خرما بود که به مقدار فراوان صادر می‌شد، از این بندر اسب و قاطر نیز صادر می‌شد. (انصاری، ۱۳۷۷: ۴۹) بندر خرمشهر در آخرین نقطه سرحد غربی ساحل خوزستان، مرز ایران را از عراق جدا می‌کند. حدود این مرز و تعیین سرحد آن از آثار دوره سلطنت قاجار است. (اقتداری، ۱۳۷۵: ج ۳، ۴۱)

در اوایل قرن بیستم میلادی، کشف نفت نیز در خوزستان اهمیت اروند رود را مضاعف ساخت. اگر پیش از کشف نفت، دو دولت همسایه و ذینفع ایران و عثمانی به دلیل دسترسی به خلیج فارس از طریق بندر بصره و یا خرمشهر بر سر آن اختلاف داشتند و در قراردادهای ارزش‌روم اول و دوم که در زمان حکومت قاجاریه بین دو دولت منعقد گردید، با کشف نفت و تضعیف عثمانی، قدرت‌های بزرگ یعنی انگلیس و روسیه نیز به مداخله تام در آن همت گماشتند. (جلیلیان، ۱۳۸۷: ۴۴) بر این اساس به دلیل سلطه انگلیس در خلیج فارس و بندر بصره، بنادر ایرانی نیز مورد توجه انگلستان قرار داشت. در آستانه‌ی جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۲ ش. / ۱۹۱۳ م. بر اساس پروتکل الحاقی به قرارداد ارزش‌روم دوم و با قراردادهای محرمانه و پنهانی انگلیسی‌ها با عثمانی‌ها و وعده‌ی واگذاری اروند رود به عثمانی، دولت انگلیس تلاش کرد تا بین ایران و عثمانی برای رفع اختلافات میانجیگری نماید. (همان، ۱۳۸۷: ۴۶) برای این منظور کمیسیون تحدید حدود از سال ۱۲۹۳ ش. / ۱۹۱۴ م. با شرکت نمایندگان چهار دولت ایران و عثمانی و انگلیس و روسیه، سرحدات ایران و عثمانی تعیین شد. بر این اساس، ساحل چپ اروند رود به عنوان مرز ساحلی ایران از فاو تا خرمشهر و تمام اروند رود را به عثمانی واگذار

کردند. بدین سان رودخانه ی قابل کشتیرانی اروند به عثمانی و خور و خلیج های مرداب گونه را به ایران واگذار کردند که امکان کشتیرانی در آن وجود نداشت. برای این منظور، کانالی به نام نهر خین که توسط انگلیسی ها حفر شده بود، مرز ایران و عثمانی قرار داده شد. از این زمان به بعد، نهر خین و شرق مرداب های شلمچه و وسط هور العظیم و روستای سید علی به عنوان مرز تعیین شد و آبراه اروند و سواحل شرقی آن در اختیار عثمانی قرار گرفت. (افشار سیستانی، ۱۳۷۳: ۴۴۵) در واقع بدون اینکه از قرارداد ارز روم دوم سخنی به میان آید، وضعیت جدیدی بر ایران تحمیل کردند. ایران بدون شکست در جنگی، بخشی از اراضی و مهمتر از همه امتیازات کشتیرانی و ماهیگیری و تجارت را در اروند رود از دست داد.

با پایان جنگ جهانی اول، دولت ترکیه جدید، پروتکل را به عنوان یک سند سیاسی و معتبر به رسمیت نشناخت. بنابراین پروتکل الحاقی مزبور عملاً باطل و ملغی بود. از سویی در ایران نیز چون بر طبق قانون اساسی مشروطیت هرگونه تغییر ارضی و یا تعدیل حدود مملکت می بایست با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی انجام می گرفت و پروتکل الحاقی سال ۱۲۹۲ ش. / ۱۹۱۳ م. فاقد این شرط اساسی بود، بنابراین هیچ گاه معتبر و قانونی و قطعی تلقی نشد. (رحیمی، ۱۳۸۵: ۱۳۰) با فروپاشی امپراتوری عثمانی و جایگزینی دولت جدید و دست نشانده عراق، مشکلات بین دو دولت ایران و عثمانی به این وارث جدید رسید.

دولت عراق پس از استقلال، اعمال حاکمیت بر تمام اروند رود را جزو حقوق خود می دانست. به همین دلیل در سال ۱۳۰۱ ش. / ۱۹۲۲ م. دولت های انگلستان و عراق قراردادی برای اداره ی اروند رود منعقد کردند که به موجب آن، دولت انگلستان اداره ی اروند رود را به عراق واگذار کرد. (افشار سیستانی، ۱۳۷۳: ۵۲۴) عراقی ها چنین مدعی بودند که چون پروتکل مزبور از ضامم قرارداد ارز روم دوم بوده و ایران نیز پذیرش و تصویب خود را در مورد قرارداد ارز روم در هفدهمین اجلاسیه کمیسیون مختلط اعلام نموده بود، در نتیجه پروتکل فوق نیاز به تصویب مجدد دولت ایران نداشته است. در حالی که ایران پاسخ می داد که پذیرش عمده به انضمام توضیحات چهارگانه با اکراه و اجبار توأم بوده است و اکراه و اجبار، یکی از موارد ششگانه ابطال کننده قراردادها بر اساس کنوانسیون وین بود. (منصوری، ۱۳۷۶: ۱۷ - ۱۵). «در بخش جنوبی مرز ایران و عراق، دولت عراق تلاش می کرد با پشتیبانی از فرزندان شیخ خزعل، به ایجاد آشوب بپردازد. افزون بر این، دولت و مطبوعات عراق با تبلیغات علیه ایران و به ویژه بر ضد حاکمیت ایران بر خوزستان تلاش می کردند از نظر سیاسی نیز ایران را با بحران مواجه نمایند.

این تنش‌های سیاسی و نظامی در کنار منازعه دیپلماتیک ایران و عراق بر سر اروند رود، در مناسبات این دو کشور تأثیر گذاشته بود. به نظر می‌رسد، هدف اصلی دولت عراق از ایجاد این تنش‌ها، اعمال فشار بر دولت ایران برای تن دادن به مرزهای بی اعتبار ناشی از پروتکل اسلامبول بود.^۱ (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۵۵۸) بر این اساس در سال ۱۳۱۳ ش. / ۱۹۳۴ م. دولت عراق برای جلوگیری از اعمال حق حاکمیت ایران در اروند رود با پشتیبانی انگلستان به جامعه ی ملل شکایت کرد. جامعه ی ملل طرفین را به مذاکرات مستقیم دعوت نمود و سرانجام بر اثر اصرار و فشار انگلیسی‌ها که عجله داشتند هر چه زودتر پیمان منطقه ای منعقد شود. در تیر ۱۳۱۶ ش. / ژوئیه ۱۹۳۷ م. قراردادی بین ایران و عراق به امضاء رسید که طبق آن حق کشتیرانی در سراسر اروند رود به استثنای آبهای مقابل خرمشهر و آبادان به دولت عراق واگذار شد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۹: ۳۹۳)

انعقاد قرارداد ۱۳۱۶ شمسی

برای روشن شدن اوضاع مرزی و لزوم انعقاد قرارداد ۱۳۱۶ ش. / ۱۹۳۷ م. میان ایران و عراق باید به گزارش نصرت الدوله بدیع کنسول جدید ایران در بصره اشاره کرد؛ وی حق اشتراک ایران در اروند رود را مهم ارزیابی کرده و گفته بود: «این قضیه باید در نظر گرفته شود حکومت عراق شرکت ایران را در اروند رود (شط العرب) معترف نیست و مثل ترک‌ها می‌گوید فقط کشتی‌های ایران اجازه دارند از این شط عبور کنند. این مسئله محتاج به اجازه ی عراق نیست. زیرا اروند رود از رودخانه‌های آزاد است و کشتی‌های جمیع دول در آن آمد و شد می‌کنند و ایران تا دعیجی که تقریباً ۱۵ فرسخ مسافت است در اروند رود ساحل دارد و البته تا منتهی الیه ساحل خود حق استفاده را دارد». (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۲۷) باقر کاظمی فرستاده ی ویژه ایران برای بررسی وضعیت اتباع ایران در عراق نیز گزارش داده که: «اشتراک ایران در اروند رود (شط العرب) و به هم خوردن خط سرحدی سال ۱۲۹۲ ش. / ۱۹۱۳ م. در این قسمت فوق العاده لازم و به هر قیمت است باید این حق تحصیل شود در غیر این صورت از جهت سیاسی و تجاری نتایج وخیم خواهد داشت» (همان، ۱۳۸۴: ۲۰۱) با این همه، دولت ایران به خاطر پیشینه ی اختلافات مرزی با عراق، در مورد مناسبات خود با حکومت بغداد، با احتیاط

^۱ . پیمان منطقه ای که ایران در آن نقش داشت، پیمان سال ۱۳۱۶ ش. / ۱۹۳۷ م. سعدآباد بود که افغانستان، عراق و ترکیه نیز در آن شرکت داشتند. نام رسمی آن «پیمان عدم تعرض» بود.

عمل می کرد. در این میان دولت انگلیس مایل بود، دولت های ایران و عراق را در چارچوب منافع منطقه ای خود متحد سازند و از جانب دیگر به دلیل منافع خاص خود در عراق، امتیازاتی را در آن کشور برای خود قائل بود که مانع از همپیمانی تهران و بغداد می شد. دولت انگلیس برای حل این مشکل، و دادن تضمین هایی راجع به حقوق ایران در اروند رود، در اسفند ۱۳۰۷ ش. / مارس ۱۹۲۸ م. به دولت ایران اعلام کرد؛ شناسایی حقوق ایران در اروند رود مشروط به رسمیت شناخته شدن دولت عراق از سوی دولت ایران است. دولت ایران نیز پس از حصول این اطمینان، رژیم جدید عراق را به رسمیت شناخت. در این موقع انتظار می رفت دولت عراق بعد از وعده های وزیر مختار انگلستان و اطمینان هایی که ملک فیصل اول (پادشاه عراق) داده بود، گامی در حل مشکل اروند رود بردارد. ولی اقدامی از طرف دولت عراق به عمل نیامد. علیرغم ورود عراق به جامعه ی ملل، نه تنها راه حلی برای رفع مشکلات دو کشور مطرح نشد، بلکه این مشکلات با ادعاهای تازه دولت عراق علیه ایران در مورد بندر بصره و منابع آبی آن افزایش یافت. ادعاهایی که بعدها اسناد و مدارک نشان داد که تحریکات کنسول انگلیس در بصره عامل آن بود. از اواسط سال ۱۳۱۰ ش. / ۱۹۳۱ م. دولت عراق چندین یادداشت اعتراض برای دولت ایران ارسال داشت و در آن مأموران گمرک و نیروی دریایی ایران را متهم می کرد که مقررات سازمان بندر بصره را نادیده گرفته، به حقوق حاکمیت عراق در آبهای اروند رود تجاوز می کنند. همچنین در این زمان دولت عراق به کنسول خود در شهر خرمشهر دستور داده بود تا به فرماندار خرمشهر بنویسد که قوای انتظامی ایران نباید از اروند عبور نمایند که این امر با اعتراض شدید دولت ایران رو به رو شد. اما ملک فیصل اول که مایل بود با همسایگان خود روابط حسنه داشته باشد، تصمیم گرفت به طور رسمی از تهران دیدار کند تا از تیره شدن روابط بین دو کشور جلوگیری نماید. در مذاکراتی که در تهران به عمل آمد، ایران خواستار تعیین خط «تالوگ^۱» به عنوان مرز دو کشور در اروند رود شد که در این مورد قرار شد در بهار سال ۱۳۱۲ ش. / ۱۹۳۳ م. در دیدار رضاشاه از عراق، مذاکرات پیگیری شود که با مرگ ملک فیصل اول، این بازدید انجام نشد و امیدی که برای حل اختلافات دو کشور ایجاد شده بود، از بین رفت. (عهدنامه ننگین ۱۳۱۶، ۲۰۱۱)

^۱. اصطلاح خط تالوگ به خطی اطلاق می شود که از عمیق ترین نقطه ی رودخانه و یا دریا به عنوان مرز آبی ترسیم گردد.

پس از مرگ ملک فیصل، مقامات عراقی نخواستند گامی در مسیر حل اختلافات دو کشور بردارند. در این زمان دولت عراق پاره ای برخوردها و حوادث گوناگون مرزی را بهانه ساخته، از ایران به جامعه ی ملل شکایت کرد. بر اساس توصیه جامعه ی ملل مبنی بر مذاکرات مستقیم ایران و عراق جهت حل مسئله اروند رود، در سال ۱۳۱۴ ش. / ۱۹۳۵ م. مذاکراتی در تهران با حضور نمایندگان دو کشور برگزار شد. اساس مذاکرات تهران حول دو محور متمرکز بود: نخست خط مرزی دو کشور در اروند رود و دیگر نحوه ی اداره ی آن. در مورد اول دولت ایران معتقد بود که طبق مقررات حقوق بین الملل، مرز دو کشور در اروند رود باید خط تالوگ باشد. در مورد دوم نیز دولت ایران معتقد بود که برای اداره اروند رود کمیسیونی متشکل از نمایندگان دو کشور تشکیل شود. نماینده عراق اعلام کرد عراق موافق است که فقط در محدوده آبادان خط مرزی دو کشور بر اساس تالوگ باشد. اگر چه این راه حل منافع ایران را تأمین نمی کرد، با این حال دولت ایران به علت اوضاع و احوال خاص آنزمان و فشار انگلستان با راه حل مذکور مخالفتی نکرد و همین امر مقدمه ی انعقاد قرارداد سال ۱۳۱۶ ش. / ۱۹۳۷ م. شد. قرارداد مذکور در تیر ماه سال ۱۳۱۶ ش. میان نمایندگان دو کشور به امضاء رسید. سپس در مجلس شورای ملی عراق و مجلس سنای آن کشور و در مجلس شورای ملی ایران به تصویب رسید و در شهریور ۱۳۱۷ ش. / ۱۹۳۸ م. در مجموعه قراردادهای جامعه ی ملل ثبت گردید. (همان، ۲۰۱۱)

تأثیر مرزهای ایران و عراق در زندگی مردم خوزستان

با اعمال نفوذ دولت انگلستان در انعقاد قرارداد ۱۳۱۶ ش. / ۱۹۳۷ م. این کشور به هدف دیرینه خود در سلطه بر راههای آبی منطقه رسید و با حمایت از عراق و تهدید و فشار به دولت ایران، موقعیت خود را در اروند رود تثبیت کرد. باقر کاظمی وزیر امور خارجه سابق ایران، در مورد نقش انگلیس می نویسد: «انگلیسی ها پیوسته از یک قرن و نیم قبل چه در موقع مذاکرات قرارداد ارز روم دوم و چه در مذاکرات اسلامبول، چه قبل از جنگ بین المللی و چه پس از تشکیل حکومت عراق، در جامعه ملل و غیره کوشش کردند ایران را از اروند رود محروم کنند». (بررسی سوابق مناقشات مرزی ایران و عراق، ۲۰۱۱) قرار نامه ی ۱۳۱۶ ش. / ۱۹۳۷ م. بر خلاف موازین حقوق بین الملل که ناظر بر رودخانه های سرحدی می باشد، منعقد گشت و بر حقوق حاکمیت ایران بر اروند رود لطمه زد. آن پیمان گرفتاری هایی به وجود آورد که دنباله اش به روزگار بعد کشید. (آدمیت، ۱۳۶۱: ۵۹۸) به لطف انگلیسی ها آبراه گرانبهای اروند رود در

اختیار دولت عراق گرفت و با ایجاد اداره ی بندر بصره، انحصار اجازه ی ورود و خروج همه ی کشتی ها در اروند رود به دولت عراق تعلق گرفت. (فرمانفرمایان، ۱۰۹:۱۳۸۳)

بدین ترتیب با انعقاد قرارداد مرزی ۱۳۱۶ ش. / ۱۹۳۷ م. تلاش یکصد ساله ایران برای اعاده ی حقوق مسلم خود در اروند رود از میان رفت و قرارداد مذکور مالکیت تمامی رودخانه را به عراق واگذار کرد. بر اساس قرارداد مذکور اجازه ی عبور و مرور در اروند رود به انحصار دولت عراق در آمد و منافع حاصل از صنعت حمل و نقل و کشتیرانی و ماهیگیری در این آبراه در اختیار دولت عراق قرار گرفت و دولت ایران از آن محروم ماند. در بعد سیاسی نیز حاکمیت ملی و دیرسال ایران بر بخشی از مرزهای خود نقض شد و به حیثیت دولت ایران خدشه وارد گردید. در این میان جمعیت قابل توجهی از ساکنان خوزستان که در بخش های مختلف و مرتبط با بازرگانی و صنعت حمل و نقل، کشتیرانی و ماهیگیری در اروند رود و خلیج فارس، در ارتباط مستقیم و تنگاتنگ بودند، می بایست با نظارت سازمان کشتیرانی و گمرک بندر بصره و تحت اختیار کامل دولت عراق، به صورت محدود به فعالیت خود بپردازند. از این رو غالباً در اعاده ی حقوق خود مورد سوءاستفاده و اجحاف مأموران اداری و انتظامی دولت عراق قرار می گرفتند و از این رهگذر دچار آسیب و در نتیجه متضرر می شدند. در پاره ای مواقع، شیوع بیماری وبا در بصره، بدرفتاری مأموران گمرک عراق با زوار ایرانی و شرایط بد بهداشتی کشور عراق، موجب اعمال ممنوعیت عبور و مرور مردم به عراق می شد. (دادفر، ۱۳۸۹: ۴۲)

علاوه بر این، دولت ایران با تصویب و اعمال برخی قوانین، میزان پول و اموالی را که هر زائر می توانست از ایران خارج نماید، محدود نمود. بر اساس این قوانین، زائران تنها به اندازه ی هزینه ی سفری کوتاه مدت قادر به حمل پول بودند و از همراه بردن اجناسی چون فرش به منظور فروش، منع شده بودند. (همان، ۴:۱۳۸۹) با بررسی ریشه ی اختلافات ایران و عراق و توجه به متن مذاکرات و قراردادهای منعقد شده میان طرفین، تقریباً بدون استثنا در جریان تمامی مذاکرات و جلسات منتهی به انعقاد قرارداد، میان دولت های ایران و عثمانی و بعدها ایران و عراق در یکصد سال گذشته (از قرارداد ارز روم دوم در سال ۱۲۶۳ ه. / ۱۲۲۶ ش. / ۱۸۴۷ م. تا قرارداد سال ۱۳۱۶ ش. / ۱۹۳۷ م.) حضور قدرت های بیگانه نظیر روسیه و انگلیس و دخالت مستقیم و اعمال نفوذ آنان در متن قراردادهای واضح و چشمگیر و غیر قابل انکار است.

این مسئله دلیل ضعف و عدم استحکام و دوام این قبیل قراردادها بود. زیرا قدرت های استعماری به علت موقعیت استراتژیک و منافع ارزشمندی که در منطقه خلیج فارس برای خود متصور بودند، هیچ گاه حاضر به پذیرش حاکمیت ایران و یا عراق در منطقه نبودند و همواره در تنظیم قراردادها به گونه ای وساطت و اعمال نفوذ می کردند که منافع و حاکمیت خود را در منطقه خلیج فارس حفظ و تثبیت نمایند. بنابراین یکی از عوامل اصلی ضعف و بی ثباتی قراردادهای مرزی ایران و عثمانی و بعدها ایران و عراق که از دیرباز منجر به تداوم اختلافات و مناقشات مرزی دو کشور همسایه و مسلمان می شد، حول محور نفوذ و سلطه ی استعماری دولت های بیگانه قرار داشت.

نتیجه گیری

به عنوان جمع بندی می توان گفت؛ مناقشات مرزی ایران و عراق، مشکلات و موانعی در زندگی مردم خوزستان ایجاد کرد. اگر چه ساکنان این خطه به ویژه در جنوب غربی خوزستان کماکان ارتباطات دینی، فرهنگی و قومی خود را با مردم آن سوی مرز حفظ کرده و علیرغم خطوط مرزی و تحدید حدود زمینی و آبی و ممنوعیت های گاه و بی گاهی که به عناوین مختلف در عبور و مرور مردم، توسط دو دولت ایران و عراق اعمال می شد، ساکنین خوزستان همچنان با اقوام عرب زبان خود در جنوب عراق ابراز علاقه و دلبستگی نشان می دادند. با این حال پدیده ی مرز بندی سیاسی و مناقشات ناشی از آن، در این نواحی زمینه ی آسیب های اقتصادی و تجاری عدیده و اثرات منفی برای مردم خوزستان و در نتیجه اقتصاد ایران در آن دوران فراهم ساخت به گونه ای که ایران از رهگذر خط مرزی و به ویژه در جریان انعقاد قرارداد سال ۱۳۱۶ ش. / ۱۹۳۷ م. تردد آزادانه و امتیاز کشتیرانی و ماهیگیری در رودخانه اروند را از دست داد. در حالی که از دیر باز مالکیت بر اروند رود از حقوق مسلم ایران شناخته می شد. ولی در این زمان با مرز بندی های سیاسی و زیاده خواهی دولت عراق و اعمال نفوذ و فشار قدرت های بیگانه و در رأس آن انگلستان، ایران از حق مالکیت بر مرزهای آبی و نیز صنعت کشتیرانی و ماهیگیری در آب های جنوبی خود محروم گردید. این مسئله ضربات سختی بر اقتصاد ایران وارد ساخت و پیامدهای منفی برای تجارت و صنعت دریانوردی مردم خوزستان به دنبال داشت. چرا که همواره بخش عمده ی منابع اقتصادی و امرار معاش مردم خوزستان به ویژه در شهرهای جنوب غربی و جنوبی این استان در ارتباط مستقیم با تجارت، صنعت حمل و نقل، کشتیرانی و ماهیگیری در رودخانه های کارون، بهمنشیر، اروند رود و آب های آزاد منتهی

به خلیج فارس قرار داشته است اما با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۱۸ ش. / ۱۹۳۹ م. با ورود نیروهای شوروی از شمال و انگلستان از جنوب به خاک ایران، خوزستان به شدت دچار قحطی و کمبود آرد و نان شد و در سال ۱۳۲۰ ش. / ۱۹۴۱ م. با شکست مقاومت های پراکنده ی ارتش ایران، به ویژه نیروی دریایی در جنوب، خرمشهر و اهواز به تصرف انگلستان درآمد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. / سپتامبر ۱۹۴۱ م. نیروهای متفقین، رضاشاه را از سلطنت برکنار و از کشور به آفریقای جنوبی تبعید کردند و سلطنت فرزندش محمدرضا پهلوی را در ایران مستقر نمودند. با استقرار سلطنت پهلوی دوم در ایران، دوران تازه ای از مناقشات و اختلافات مرزی میان ایران و عراق آغاز شد.

اشغال ایران و ضعیف شدن موضع کشور موجب شد که بعد از جنگ جهانی دوم، دولت عراق حاضر به انجام تعهدات خود در قرارداد ۱۳۱۶ ش. / ۱۹۳۷ م. نسبت به استفاده دو طرف از آب های اروندرود نشد و اختلافات مرزی ایران و عراق در خوزستان تا سالیان بعد نیز به قوت خود باقی ماند. در نهایت با وقوع جنگ هشت ساله ی میان ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ ش. / ۱۹۸۰ م. حاکمیت تاریخی و بی قید و شرط ایران بر خوزستان برای دولت وقت عراق و افکار عمومی جهان مسلم و اثبات گردید.



فهرست منابع و مآخذ

- آدمیت، فریدون؛ ۱۳۶۱، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی.
- اسناد سیاسی ایران و عثمانی؛ ۱۳۷۲، دوره فاجاریه، واحد نشر اسناد، ج ۴، تهران، وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات.
- افشار سیستانی، ایرج؛ ۱۳۷۳، خوزستان و تمدن دیرینه ی آن، ج ۱، چ ۱، تهران، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اقتداری، احمد؛ ۱۳۷۵، خوزستان جغرافیای تاریخی و آثار باستانی، ج ۳، چ ۲، تهران، مؤسسه فرهنگی آیات.
- امام، سید محمد علی؛ ۱۳۷۹، تاریخ خوزستان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امام شوشتری، سید محمدعلی؛ بی تا، تاریخ جغرافیای خوزستان، تهران، مؤسسه مطبوعاتی امیر کبیر.
- انصاری، مصطفی؛ ۱۳۷۷، تاریخ خوزستان، محمد جواهرکلام، چ ۱، تهران، نشرشادگان.
- بهار، محمدتقی؛ ۱۳۸۶، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲، چ ۵، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- بهمنی قاجار، محمدعلی؛ ۱۳۹۰، تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی، ج ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- جلیلیان، آذر؛ ۱۳۸۲، انعکاس روابط ایران و عثمانی در روزنامه اختر از مشروطیت عثمانی تا مشروطیت ایران، مسعود مرادی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- جلیلیان، آذر؛ ۱۳۸۷، مرزهای ایران و عثمانی در خوزستان از ارز روم دوم تا جنگ اول جهانی، علیرضا مهدی پور، طرح پژوهشی رشته تاریخ دانشگاه پیام نور استان خوزستان.

- حضرتی، حسن؛ ۱۳۹۰، روش پژوهش در تاریخ شناسی، چ ۱، تهران، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- دادفر، سجاد ؛ ۱۳۸۹، «تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی عتبات عالیات در نیمه نخست قرن بیستم»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۱۱، ش ۴۲، بهار.
- رایت، دنیس؛ ۱۳۸۳، انگلیسیان در میان ایرانیان، غلامحسین صدری افشاری، تهران، انتشارات اختران.
- رحیمی، حسن ؛ ۱۳۸۵، از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر، چ ۱، تهران، نشر صریر.
- «فرهنگ مردم در خوزستان»، ۱۳۷۷، هفته نامه فجر خوزستان، ش ۱۳۵.
- فرمانفرمایان، منوچهر ؛ ۱۳۸۳، خون و نفت (خاطرات یک شاهزاده ایرانی)، مهدی حقیقت خواه، چ ۸، تهران، انتشارات ققنوس.
- فوران، جان؛ ۱۳۷۸، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، احمد تدین، چ ۲، تهران، موسسه ی خدمات فرهنگی رسا.
- قیم، عبدالنبی؛ ۱۳۸۰، «نگاهی جامعه شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۲، ش ۷، بهار.
- کسروی، احمد؛ ۱۳۷۳، تاریخ پانصد ساله ی خوزستان، چ ۱، تهران، انتشارات انزان.
- کریمی، عرفان؛ ۱۳۸۸، «اروند رود در تاریخ معاصر ایران؛ از ارزروم تا الجزایر»، روزنامه رسالت، ش ۶۸۶۶، آذر.
- کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی، ۱۳۱۰، نامه های اهالی خوزستان، تهران، کتابخانه مجلس.
- کوهستانی نژاد، مسعود ؛ ۱۳۸۴، چالش و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهش وزارت امور خارجه .

- لوایی، نعیمه؛ مصاحبه نگارنده با خانم لوایی از ساکنان قدیمی خرمشهر، ۱۳۹۰/۱۲/۲۵.

- مستوفی، عبدالله؛ ۱۳۸۶، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره ی قاجاریه، ج ۲، چ ۱، تهران، نشر کتاب هرمس.

- منصوری، فیروز؛ ۱۳۷۶، استعمار بریتانیا و مسئله اروند رود، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- نیازی، یحیی؛ «فیلم مستند خرمشهر آزاد شد»، گروه حماسه و دفاع شبکه ی اول صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱/۰۲/۲۶.

- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا؛ ۱۳۷۹، تاریخ روابط خارجی ایران، چ ۷، تهران، انتشارات امیرکبیر.

منابع اینترنتی

www.mpr_khuz.ir/15/07/1390 - پایگاه اینترنتی میراث فرهنگی و صنایع گردشگری استان خوزستان

www.wikipedia.org/2011/08/21/ - ((مرزو سرحد)) ویکی پدیا، دانشنامه ی آزاد

www.persianguelfstudies.com/15//011/112 - ((عهدنامه ننگین ۱۳۱۶ ایران و عراق بر سر اروند)) [www. Rasekhoon.net/2011/11/09](http://www.Rasekhoon.net/2011/11/09) - ((بررسی سوابق مناقشات مرزی ایران و عراق))

[www. Chap.sch.ir/2012/04/01](http://www.Chap.sch.ir/2012/04/01) - ((جغرافیا در بستر تحولات تاریخی))